



<https://ecs.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Endowment & Charity Studies

E-ISSN: 3115-7475

Vol.5, Issue.1, No.9, 2027, pp 1-24

Received: 17/06/2026

Last Revised: 19/10/2026

Accepted: 01/11/2026

Research Paper

Designing a Waqf Financialization Model to Support the Value Chain of Strategic Industries under Sanctions: An Economic Defense Approach

Mostafa Kazemi Najafabadi  *

Associate Professor, Department of Economics, Social Sciences Research Institute, Research Institute of Hawzah and University (RIHU), Qom, Iran
mostafakazemi@rihu.ac.ir

Ahmadali Rezai 

Ph.D. in Islamic Economics, Economics Research Group, Al-Mustafa International Research Institute, Qom, Iran
Rezai.ahmadali66@miu.ac.ir

Introduction

In recent decades, economic sanctions have restricted Iranian strategic industries' access to financial resources, technology, and international markets, disrupting the financing and sustainability of their value chains (Zarei et al., 2024). Conversely, strengthening endogenous capacities and utilizing modern financing instruments are among the most important strategies for enhancing economic resilience (Suhairi et al., 2024). As a key institution of the Islamic economy, waqf has considerable potential to direct assets toward productive investment through instruments such as cash waqf, waqf of shares, waqf funds, and waqf sukuk (Kazemi Najafabadi, 2021, 2022; Jouti, 2022). Nevertheless, a review of the literature shows that no comprehensive model has yet been presented for waqf financialization aimed at supporting the value chain of strategic industries under sanctions, and most studies have examined waqf from a jurisprudential, social, or charitable perspective. Accordingly, the main research question is: What are the dimensions, components, and mechanisms of a waqf financialization model for supporting the value chain of strategic industries under sanctions? The study aims to design and validate this model with an economic defense approach. The research is significant because it transforms the traditional capacities of waqf into effective financing flows and enhances economic resilience. The main limitation is its focus on the macro level and the absence of a case implementation in a specific industry.

Methodology

This study is applied in terms of purpose and mixed-method (qualitative–quantitative) with an exploratory approach in terms of nature. In the qualitative phase, grounded theory (Strauss and Corbin's paradigmatic model) was employed. The statistical population included experts in waqf, Islamic finance specialists, managers of strategic industries, and resistance economy experts; using purposive sampling and reaching theoretical saturation, 18 participants were selected. Data were analyzed through semi-structured interviews and open, axial, and selective coding. In the fuzzy Delphi phase, 15 experts participated in consensus-building and indicator screening, using a five-point fuzzy scale with an acceptance threshold of 0.7. In the quantitative phase, a Likert-scale questionnaire was developed, and 150 usable questionnaires were collected through purposive and convenience sampling. Data were analyzed using partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM) and SmartPLS software. The study was conducted during the second half of 2025.

Findings

Findings from the grounded theory phase indicated that the conceptual model consists of six dimensions: waqf

*Corresponding Author

Kazemi Najafabadi, M., & Rezai, A.A. (2026). Designing a waqf financialization model to support the value chain of strategic industries under sanctions: An economic defense approach. *Journal of Endowment & Charity Studies*, 5(1), 1-24. <https://doi.org/10.22108/ecs.2026.149358.1202>

3115-7475© The Author(s). Published by University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>).



<https://doi.org/10.22108/ecs.2026.149358.1202>

resources, financialization instruments, intermediary institutions, value chain support, governance requirements, and economic defense outcomes. In the fuzzy Delphi phase, indicators were refined and confirmed based on expert consensus; indicators such as Shariah supervision (0.91), institutional transparency (0.88), and waqf sukuk (0.86) obtained the highest importance, while some indicators were removed or modified. The results of structural equation modeling showed that all hypothesized paths from waqf resources to economic defense were positive and statistically significant; the strongest relationship was the path from economic resilience to economic defense (0.81, $t = 7.02$), followed by value chain to resilience (0.77, $t = 6.45$). Model fit indices were also satisfactory (SRMR = 0.071; R^2 for economic defense outcomes = 0.68; $Q^2 = 0.46$).

Discussion and Conclusion

By designing and validating a waqf financialization model to support the value chain of strategic industries under sanctions, this study elevates the role of waqf from a merely charitable institution to a developmental and investment-oriented one. The findings showed that realizing the developmental function of waqf is not achievable merely by increasing financial resources; rather, modern financial instruments, efficient intermediary institutions, and a transparent governance system are prerequisites for converting waqf assets into productive capital. The distinguishing feature of this research is the systematic integration of these components into a validated causal model that explains the path from waqf resources to economic defense outcomes. Based on the findings, it is recommended to establish specialized waqf investment funds for strategic industries, develop waqf financialization instruments such as waqf sukuk, establish an integrated governance system for endowments, and incorporate waqf financialization into policies supporting strategic industries and the resistance economy.

Keywords

Waqf Financialization, Value Chain, Strategic Industries, Sanctions, Economic Defense.



مقاله پژوهشی

طراحی مدل مالی سازی وقف برای حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی در شرایط تحریم: یک رویکرد دفاع اقتصادی

مصطفی کاظمی نجف آبادی^۱ و احمدعلی رضایی^۲

۱. دانشیار گروه اقتصاد، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

mostafakazemi@rihu.ac.ir

۲. دکتری اقتصاد اسلامی، پژوهشگر همکار گروه علمی اقتصاد، پژوهشگاه بین المللی المصطفی، قم، ایران

Rezai.ahmadali66@miu.ac.ir

چکیده

در این پژوهش، با هدف طراحی و اعتبارسنجی مدل مالی سازی وقف در حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی در شرایط تحریم، از رویکرد ترکیبی شامل نظریه داده بنیاد، دلفی فازی و مدل سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM) استفاده شده است. دوره زمانی اجرای پژوهش نیمه دوم سال ۱۴۰۴ در نظر گرفته شد. در مرحله کیفی، جامعه آماری شامل خبرگان حوزه وقف، متخصصان مالی اسلامی، مدیران صنایع راهبردی و کارشناسان اقتصاد مقاومتی بود که با روش نمونه گیری هدفمند و با رسیدن به اشباع نظری، ۱۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در مرحله دلفی فازی نیز ۱۵ نفر از خبرگان تخصصی در حوزه های یادشده به منظور اجماع سازی و غربال شاخص ها مشارکت داشتند. در مرحله کمی، داده ها از طریق پرسشنامه مبتنی بر طیف لیکرت از جامعه خبرگان و مدیران مرتبط جمع آوری و با استفاده از SmartPLS تحلیل شدند. یافته های مرحله داده بنیاد نشان داد مدل مفهومی شامل ابعاد منابع وقفی، ابزارهای مالی سازی، نهادهای واسط، حمایت از زنجیره ارزش، الزامات حکمرانی و پیامدهای دفاع اقتصادی است. در مرحله دلفی فازی، شاخص ها بر اساس میزان توافق خبرگان پالایش و تأیید شدند. نتایج مدل سازی معادلات ساختاری نیز نشان داد تمامی مسیرهای مفروض از منابع وقفی تا دفاع اقتصادی دارای اثر مثبت و معنادار هستند و مدل از برازش مناسب و قدرت تبیین قابل قبول برخوردار است. نتایج کلی پژوهش بیانگر آن است که مالی سازی وقف می تواند از طریق ایجاد سازوکارهای نهادی و مالی، ظرفیت های سنتی وقف را به جریان های مؤثر تأمین مالی در صنایع راهبردی تبدیل و نقشی مهم در افزایش تاب آوری اقتصادی و کاهش آثار تحریم ها ایفا کند.

واژه های کلیدی

مالی سازی وقف، زنجیره ارزش، صنایع راهبردی، تحریم، دفاع اقتصادی.

*نویسنده مسئول

کاظمی نجف آبادی، م. و رضایی، ا.ع. (۱۴۰۵). طراحی مدل مالی سازی وقف برای حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی در شرایط تحریم: یک رویکرد دفاع اقتصادی. مطالعات وقف و امور خیریه، ۵(۱)، ۱-۲۴. <https://doi.org/10.22108/ecs.2026.149358.1202>



۱- مقدمه و بیان مسئله

در دهه‌های اخیر، تحریم‌های اقتصادی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران تبدیل شده و دسترسی به منابع مالی، فناوری و بازارهای بین‌المللی را با محدودیت مواجه کرده‌اند. این شرایط به ویژه صنایع راهبردی را که نقشی مهم در امنیت اقتصادی، توسعه فناوری، اشتغال و خودکفایی دارند، تحت تأثیر قرار داده و موجب اختلال در تأمین مالی، تولید و توسعه زنجیره ارزش این صنایع شده است. مطالعات نشان می‌دهند تحریم‌ها به ویژه از طریق محدودیت در واردات کالاهای واسطه‌ای، انتقال فناوری و دسترسی به منابع مالی خارجی، آثار منفی قابل ملاحظه‌ای بر تولید و رشد اقتصادی داشته‌اند (زارعی و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۰). در مقابل، تقویت ظرفیت‌های درون‌زا و بهره‌گیری از ابزارهای نوین تأمین مالی از مهم‌ترین راهکارهای افزایش تاب‌آوری اقتصادی در شرایط تحریم محسوب می‌شوند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۶).

زنجیره ارزش صنایع راهبردی از تأمین مواد اولیه تا تحقیق و توسعه، تولید و توزیع را در بر می‌گیرد و پایداری آن نیازمند دسترسی به منابع مالی پایدار است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند استمرار تولید، توسعه فناوری و پایداری صادرات در این صنایع مستلزم بهره‌گیری از سازوکارهای مالی مقاوم و انعطاف‌پذیر است (حمزه‌پور و طهماسبی بلوک‌آباد، ۱۴۰۰: ۸۳؛ حسینی، ۱۳۹۴: ۲۱۱). با توجه به محدودیت منابع بودجه‌ای دولت، استفاده از ظرفیت‌های مردمی و نهادهای اقتصادی مبتنی بر مشارکت اجتماعی بیش از گذشته اهمیت یافته است.

در این میان، وقف به عنوان یکی از نهادهای مهم اقتصاد اسلامی، ظرفیتی قابل ملاحظه برای تجهیز و تخصیص منابع مالی در مسیر توسعه اقتصادی دارد. تحولات حوزه مالی اسلامی نیز با توسعه ابزارهایی مانند وقف نقدی، وقف سهام، صندوق‌های وقفی و صکوک وقفی، امکان هدایت دارایی‌های وقفی به سرمایه‌گذاری‌های مولد را فراهم کرده است. مطالعات فقهی نیز مشروعیت وقف پول و وقف سهام را تأیید کرده‌اند (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۲۱۵). همچنین، پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهند ترکیب وقف با ابزارهای مالی اسلامی می‌تواند نقشی مؤثر در تأمین مالی فعالیت‌های تولیدی، توسعه زیرساخت‌ها و ارتقای تاب‌آوری اقتصادی ایفا کند (Jouti, 2022: 37; Badrane & Bamousse, 2025: 92).

با وجود این ظرفیت‌ها، بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد تاکنون مدلی جامع برای مالی‌سازی وقف با هدف حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی در شرایط تحریم ارائه نشده است و بیشتر مطالعات وقف را از نظر فقهی، اجتماعی یا خیریه بررسی کرده‌اند؛ از این رو، پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل مالی‌سازی وقف برای حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی با رویکرد دفاع اقتصادی انجام شده است تا ابعاد، مؤلفه‌ها و سازوکارهای این مدل را شناسایی و اعتبارسنجی کند. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که مدل مالی‌سازی وقف برای حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی در شرایط تحریم دارای چه ابعاد، مؤلفه‌ها و سازوکارهایی است؟

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱ مالی‌سازی وقف

وقف یکی از مهم‌ترین نهادهای اقتصادی و اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام است که همواره در تأمین مالی خدمات عمومی، توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی نقش داشته است. در مفهوم سنتی، وقف به معنای حبس اصل مال و اختصاص منافع آن در مسیر اهداف عمومی و خیرخواهانه است، اما تحولات اقتصادی و نیازهای جدید ضرورت بازنگری در کارکردهای سنتی آن را آشکار و زمینه حرکت به سوی رویکردهای توسعه‌محور را فراهم کرده است (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۴۰۰: ۲۹).



وقف سستی عمدتاً بر دارایی های غیرمنقول استوار بوده و اگرچه آثار اجتماعی قابل ملاحظه ای داشته است، محدودیت هایی مانند نقدشوندگی کم، دشواری مدیریت و انطباق محدود با نیازهای اقتصادی جدید، توسعه الگوهای نوین مدیریت وقف را ضروری کرده اند (Jouti, 2022: 39). در این راستا، مفهوم وقف مولد با هدف بهره برداری اقتصادی از دارایی های وقفی و ایجاد درآمدهای پایدار شکل گرفته است. در این رویکرد، دارایی های وقفی از طریق سرمایه گذاری و مدیریت حرفه ای، ضمن حفظ اصل مال، در خدمت توسعه اقتصادی قرار می گیرند (Lubis & Marpaung, 2025: 16).

توسعه وقف مولد زمینه گسترش وقف سرمایه گذاری را نیز فراهم کرده است؛ به گونه ای که منابع وقفی در پروژه های تولیدی، زیربنایی و توسعه ای به کار گرفته می شوند و علاوه بر حفظ سرمایه، امکان حمایت از اشتغال، سرمایه گذاری و صنایع راهبردی را فراهم می کنند (Badrane & Bamousse, 2025). از سوی دیگر، وقف نقدی به عنوان یکی از مهم ترین نوآوری های مالی اسلامی، امکان مشارکت گسترده تر افراد و تخصیص انعطاف پذیر منابع را فراهم کرده است. پژوهش های فقهی مشروعیت وقف پول را تأیید کرده و مطالعات اخیر نیز ظرفیت آن را در تأمین مالی فعالیت های اقتصادی و حمایت از زنجیره های ارزش نشان داده اند (کاظمی نجف آبادی، ۱۴۰۰: ۳۱؛ Nissa et al., 2025: 98).

در تکمیل این تحول، صندوق های وقفی، صکوک وقفی و وقف سهام به عنوان مهم ترین ابزارهای مالی سازی وقف مطرح شده اند. صندوق های وقفی با تجمع و مدیریت حرفه ای منابع، امکان تأمین مالی پروژه های بزرگ را فراهم می کنند. صکوک وقفی نیز با تجهیز سرمایه های خرد و کلان، ظرفیتی مناسب برای تأمین مالی پروژه های توسعه ای ایجاد می کند و ترکیب آن با وقف نقدی، کارایی نظام تأمین مالی اسلامی را افزایش می دهد (Sulaeman et al., 2022: 77). همچنین، وقف سهام با حفظ اصل دارایی و بهره گیری از منافع سهام شرکت ها، امکان حضور مستقیم منابع وقفی در فعالیت های مولد و حمایت از صنایع راهبردی را فراهم کرده و از نظر فقهی نیز تأیید شده است (کاظمی نجف آبادی، ۱۴۰۱: ۲۱).

برایند این تحولات شکل گیری مفهوم «مالی سازی وقف» است؛ فرایندی که طی آن، منابع وقفی با بهره گیری از ابزارها و نهادهای مالی نوین به جریان های پایدار تأمین مالی تبدیل می شوند. این رویکرد ضمن حفظ ماهیت شرعی وقف، امکان استفاده از ظرفیت بازارهای مالی و فناوری های نوین را برای توسعه سرمایه گذاری، افزایش تاب آوری اقتصادی و حمایت از صنایع راهبردی در شرایط تحریم فراهم می کند (Korkut, 2025: 57; Alsadi, 2025: 93; Syahril, 2025: 17).

۲-۲ صنایع راهبردی

صنایع راهبردی به مجموعه ای از فعالیت های تولیدی و خدماتی اطلاق می شود که نقش اساسی در امنیت ملی، توسعه اقتصادی، استقلال فناوری و پایداری اجتماعی کشورها دارند. این صنایع علاوه بر تأمین نیازهای حیاتی، در شرایط بحران، تحریم و شوک های بیرونی نیز باید توان حفظ عملکرد خود را داشته باشند؛ از این رو، از ارکان اصلی امنیت اقتصادی و تاب آوری ملی به شمار می روند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱). همچنین، این صنایع با ایجاد ارزش افزوده، اشتغال و رشد اقتصادی، نقشی مهم در تقویت توان اقتصادی کشور ایفا می کنند (زارعی و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۲).

از مهم ترین مصادیق صنایع راهبردی، صنایع دفاعی، دارویی، انرژی، فناوری های پیشرفته و صنایع غذایی راهبردی هستند. صنایع دفاعی با تولید تجهیزات و فناوری های مورد نیاز امنیت ملی، نیازمند توسعه ظرفیت های بومی و تأمین مالی پایدار هستند (Majid, 2022: 17). صنعت دارویی نیز به دلیل ارتباط مستقیم با سلامت عمومی، در شرایط تحریم با چالش هایی همچون محدودیت دسترسی به مواد اولیه، فناوری و منابع مالی مواجه است (حسینی، ۱۳۹۴: ۶۰). در بخش انرژی نیز

سرمایه‌گذاری مستمر در زیرساخت‌ها و فناوری، علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، نقشی مهم در درآمدهای ارزی و امنیت اقتصادی کشور دارد (زارعی و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۴).

فناوری‌های پیشرفته شامل حوزه‌هایی مانند فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی، زیست‌فناوری، نانوفناوری و صنایع هوافضا، از مهم‌ترین پيشران‌های توسعه اقتصادی و افزایش رقابت‌پذیری محسوب می‌شوند و حمایت از زنجیره ارزش آنها در شرایط تحریم اهمیت ویژه دارد (حمزه‌پور و طهماسبی بلوک‌آباد، ۱۴۰۰). همچنین، صنایع غذایی راهبردی با تأمین امنیت غذایی جامعه، از ارکان امنیت ملی است و تقویت تولید داخلی و توسعه همکاری‌های اقتصادی در این حوزه، پایداری اقتصادی کشور را افزایش می‌دهد (آذربایجانی، ۱۴۰۳: ۷۰۱).

در ادبیات موضوع، راهبردی‌بودن صنایع بر اساس شاخص‌هایی مانند امنیت ملی، خودکفایی اقتصادی، فناوری بومی و ارزآوری ارزیابی می‌شود. صنایعی که در تأمین نیازهای حیاتی، کاهش وابستگی به خارج، توسعه دانش فنی داخلی و افزایش صادرات نقشی مؤثرتر دارند، از اهمیت راهبردی بیشتری برخوردار هستند (حمزه‌پور و طهماسبی بلوک‌آباد، ۱۴۰۰: ۸۳). بر این اساس، صنایع راهبردی به دلیل نقش تعیین‌کننده در امنیت ملی، توسعه فناوری، خودکفایی و درآمدهای ارزی، جایگاهی ویژه در ساختار اقتصادی کشور دارند و حمایت هدفمند از زنجیره ارزش آنها، به ویژه از طریق سازوکارهای نوین تأمین مالی، یکی از الزامات تحقق تاب‌آوری و دفاع اقتصادی در شرایط تحریم محسوب می‌شود.

۲-۳ دفاع اقتصادی

با گسترش رقابت‌های اقتصادی و استفاده از ابزارهایی مانند تحریم، محدودیت‌های مالی و فناوری، مفهوم دفاع اقتصادی به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی و امنیت ملی تبدیل شده است. دفاع اقتصادی به مجموعه سیاست‌ها و سازوکارهایی اطلاق می‌شود که با هدف حفظ پایداری اقتصاد، کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدهای خارجی و صیانت از منافع ملی طراحی می‌شوند. در این رویکرد، اقتصاد به عنوان یکی از ارکان قدرت ملی تلقی می‌شود و حفظ عملکرد آن در شرایط بحرانی از مؤلفه‌های اساسی امنیت کشور به شمار می‌رود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲).

یکی از مهم‌ترین مفاهیم این حوزه تاب‌آوری اقتصادی است که به توانایی اقتصاد در پیش‌بینی، جذب و بازیابی از شوک‌ها و بحران‌ها اشاره دارد. تنوع‌بخشی به منابع مالی، تقویت تولید داخلی، توسعه سرمایه‌گذاری‌های پایدار و کاهش وابستگی به منابع خارجی، از مهم‌ترین عوامل ارتقای تاب‌آوری اقتصادی محسوب می‌شوند (Badrane & Bamousse, 2025: 118). همچنین، تجربه اقتصاد ایران نشان می‌دهد اتکا به منابع مالی بومی توان مقابله با آثار تحریم را افزایش می‌دهد (زارعی و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۰).

اقتصاد مقاومتی نیز بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی، مشارکت مردمی و استفاده بهینه از منابع برای ایجاد اقتصادی درون‌زا، برون‌گرا و انعطاف‌پذیر تأکید دارد. در این چارچوب، توسعه ابزارهای تأمین مالی بومی و استفاده از ظرفیت نهادهای اقتصادی اسلامی، به ویژه وقف، می‌تواند نقشی مؤثر در تقویت منابع مالی پایدار و مردمی‌سازی اقتصاد ایفا کند (حمزه‌پور و طهماسبی بلوک‌آباد، ۱۴۰۰: ۸۴).

از سوی دیگر، امنیت اقتصادی به دسترسی پایدار افراد، بنگاه‌ها و دولت به منابع و ظرفیت‌های اقتصادی مورد نیاز برای تحقق اهداف توسعه‌ای اشاره دارد و تحقق آن مستلزم امنیت سرمایه‌گذاری، انرژی، غذا، فناوری و نظام مالی است (آذربایجانی، ۱۴۰۳: ۷۰۳). در مقابل، جنگ اقتصادی با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند تحریم، محدودیت‌های بانکی و اختلال

در زنجیره های تأمین، به دنبال کاهش توان تولیدی و مالی کشورهاست و تجربه ایران نشان داده است این اقدامات دسترسی صنایع به منابع مالی و فناوری را با محدودیت مواجه می کند (زارعی و همکاران، ۱۴۰۳: ۷۱).

در چنین شرایطی، تأمین مالی مقاوم به عنوان یکی از ارکان دفاع اقتصادی مطرح می شود؛ رویکردی که بر تنوع بخشی به منابع مالی، کاهش وابستگی خارجی و بهره گیری از ظرفیت های مردمی استوار است. پژوهش ها نشان می دهند ابزارهای مالی اسلامی مانند وقف نقدی، صندوق های وقفی و صکوک وقفی، ظرفیتی مناسب برای تأمین مالی پایدار بخش های راهبردی دارند (Sulaeman et al., 2022: 77). همچنین، توسعه فناوری های مالی می تواند شفافیت و کارایی این سازوکارها را افزایش دهد (Syahril et al., 2025: 52).

بر این اساس، دفاع اقتصادی چارچوبی برای تقویت تاب آوری، امنیت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی در برابر جنگ اقتصادی است و مالی سازی وقف با تجهیز منابع مردمی و ایجاد سازوکارهای نوین تأمین مالی، می تواند به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر دفاع اقتصادی در حمایت از صنایع راهبردی در شرایط تحریم ایفای نقش کند.

۲-۴ زنجیره ارزش صنایع راهبردی

زنجیره ارزش، بر اساس دیدگاه پورتر، مجموعه ای از فعالیت های به هم پیوسته است که از تأمین نهاده ها آغاز می شود و تا عرضه محصول به مصرف کننده ادامه می یابد. هر یک از این فعالیت ها در خلق ارزش افزوده، افزایش بهره وری و تقویت مزیت رقابتی نقش دارند؛ از این رو، عملکرد یک صنعت فقط به فرایند تولید وابسته نیست، بلکه کارایی تمامی حلقه های زنجیره ارزش تعیین کننده موفقیت آن است. این موضوع در صنایع راهبردی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا هر گونه اختلال در هر یک از حلقه ها می تواند امنیت اقتصادی، تولید ملی و توان رقابتی کشور را تحت تأثیر قرار دهد (حمزه پور و طهماسبی بلوک آباد، ۱۴۰۰: ۸۵).

در شرایط تحریم، زنجیره ارزش صنایع راهبردی با محدودیت هایی همچون دشواری تأمین مواد اولیه، انتقال فناوری، دسترسی به منابع مالی و بازارهای صادراتی مواجه می شود؛ از این رو، تقویت این زنجیره یکی از پیش نیازهای تحقق تاب آوری و دفاع اقتصادی به شمار می رود (زارعی و همکاران، ۱۴۰۳: ۷۲).

نخستین حلقه زنجیره ارزش تأمین مواد اولیه و نهاده های تولید است که استمرار فعالیت صنایع به آن وابسته است. توسعه ظرفیت های داخلی، تنوع بخشی به منابع تأمین و ایجاد شبکه های پایدار تأمین، از مهم ترین راهکارهای کاهش آسیب پذیری این بخش محسوب می شوند (آذربایجانی، ۱۴۰۳: ۷۱۹). دومین حلقه تحقیق و توسعه است که با توسعه فناوری های بومی، ارتقای کیفیت محصولات و افزایش توان رقابتی، نقش اساسی در کاهش وابستگی خارجی و پایداری صنایع راهبردی دارد (حمزه پور و طهماسبی بلوک آباد، ۱۴۰۰: ۸۵).

حلقه سوم تولید است که در صنایع دفاعی، دارویی، انرژی و غذایی، علاوه بر ارزش اقتصادی، دارای اهمیت امنیتی نیز است. تحریم ها از طریق افزایش هزینه های تولید و محدودیت دسترسی به فناوری و نهاده ها، این بخش را تحت تأثیر قرار می دهند؛ بنابراین، تأمین مالی پایدار یکی از الزامات حفظ تداوم تولید محسوب می شود. آخرین حلقه نیز توزیع و عرضه است. توسعه شبکه های توزیع داخلی، بازارهای منطقه ای و مسیرهای جایگزین تجاری، نقشی مهم در حفظ دسترسی به بازارها و کاهش آثار تحریم ایفا می کند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲).

اگرچه هر یک از این حلقه ها کارکردی مستقل دارند، اثربخشی زنجیره ارزش به هماهنگی میان اجزای آن وابسته است و ضعف در هر مرحله می تواند عملکرد کل زنجیره را مختل کند؛ از این رو، مدیریت یکپارچه زنجیره ارزش، به ویژه در شرایط

تحریم، یکی از الزامات افزایش تاب‌آوری صنایع راهبردی به شمار می‌رود (حسینی، ۱۳۹۴: ۵۵). بر این اساس، مالی‌سازی وقف می‌تواند با تأمین منابع مالی پایدار برای هر یک از حلقه‌های زنجیره ارزش، زمینه تقویت صنایع راهبردی و ارتقای دفاع اقتصادی را فراهم کند.

۲-۵ پیشینه پژوهش

به منظور تبیین جایگاه پژوهش حاضر در ادبیات موضوع و شناسایی خلأهای علمی موجود، مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با حوزه‌های مالی‌سازی وقف، ابزارهای نوین تأمین مالی اسلامی، صنایع راهبردی، تاب‌آوری اقتصادی، اقتصاد مقاومتی و آثار تحریم‌ها بررسی شدند. مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد اگرچه هر یک از این حوزه‌ها به صورت مستقل مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند، مطالعاتی محدود ارتباط میان مالی‌سازی وقف و حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی در چارچوب دفاع اقتصادی را بررسی کرده‌اند. خلاصه مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط در **جدول ۱** ارائه شده است.

جدول ۱. پیشینه مرتبط با موضوع پژوهش

Table 1. Research Background Related to the Research Topic

پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	یافته‌ها
آذربایجانی (۱۴۰۳)	تحلیل راهبرد اقتصادی عوامل مؤثر بر تجارت محصولات اساسی کشاورزی بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا	نتایج نشان داد تولید ناخالص داخلی ایران و کشورهای طرف تجاری تأثیر مثبت معناداری بر تجارت دارد و تقویت همبستگی اقتصادی می‌تواند به توسعه تجارت منطقه‌ای کمک کند.
زارعی و همکاران (۱۴۰۳)	تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد ایران با تأکید بر نقش صندوق توسعه ملی	یافته‌ها نشان داد تحریم کالاهای واسطه‌ای و صادرات غیرنفتی بیشترین اثر منفی را بر تولید، اشتغال و تورم دارد و صندوق توسعه ملی در کاهش آثار تحریم‌ها عملکردی محدود داشته است.
کاظمی نجف‌آبادی (۱۴۰۱)	تحلیل فقهی وقف سهام از منظر فقه امامیه و فقه اهل سنت	نتایج بیانگر آن بود که وقف سهام شرکت‌ها از نظر فقه امامیه و بخشی عمده از دیدگاه‌های اهل سنت صحیح است و قابلیت استفاده به عنوان ابزار مالی اسلامی را دارد.
حمزه‌پور و طهماسبی بلوک‌آباد (۱۴۰۰)	طراحی و تحلیل الگوی راهکارهای اثرگذار و اثرپذیر شکل‌گیری زنجیره‌های صادرات باثبات در صنایع راهبردی در شرایط تحریم	پژوهش با شناسایی ۴۲۲ عامل و استخراج ۱۰ عامل کلیدی، نشان داد شکل‌گیری صادرات پایدار صنایع راهبردی نیازمند سازوکارهای چندبعدی اقتصادی، مدیریتی و نهادی است.
کاظمی نجف‌آبادی و حسینی (۱۴۰۰)	تحلیل ساختار فقهی هزینه‌ها و درآمدهای تکافل اجتماعی	یافته‌ها نشان داد منابع تکافل اجتماعی از ظرفیت‌های گسترده فقهی برخوردار هستند و می‌توان از آنها برای توسعه سازوکارهای تأمین مالی اجتماعی و حمایتی بهره گرفت.
کاظمی نجف‌آبادی (۱۴۰۰)	موضوع‌شناسی فقهی وقف پول	نتایج حاکی از آن بود که در صورت تعریف پول بر مبنای مالیت، امکان حبس عین و در نتیجه مشروعیت وقف پول وجود دارد و می‌توان آن را یکی از ابزارهای نوین وقف دانست.
حسینی (۱۳۹۴)	طراحی زنجیره تأمین رقابتی تحت شرایط تحریم با در نظر گرفتن راهبردهای بازگشت‌پذیر	پژوهش با ارائه یک مدل جامع طراحی زنجیره تأمین نشان داد استفاده از راهبردهای بازگشت‌پذیر می‌تواند تاب‌آوری زنجیره تأمین صنایع راهبردی را در برابر تحریم‌ها افزایش دهد.



پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	یافته‌ها
مرادی و همکاران (۱۳۹۳)	تحریم اقتصادی؛ فرصت‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در تأمین منافع ملی	نتایج نشان داد با بهره‌گیری از راهبردهای اقتصاد مقاومتی، توسعه دیپلماسی انرژی، کاهش وابستگی به نفت و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، می‌توان آثار تحریم‌ها را کاهش داد و حتی از آنها به عنوان فرصت توسعه بهره برد.
کورکوت ^۱ (۲۰۲۵)	وقف و زکات به عنوان پیشران تاب‌آوری اجتماعی در گذار به اقتصاد پایدار	نتایج نشان داد ابزارهای مالی اسلامی به ویژه وقف و زکات می‌توانند نقشی مؤثر در افزایش تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی جوامع در مواجهه با بحران‌ها ایفا کنند.
نیسا ^۲ و همکاران (2025)	ادغام وقف نقدی در اکوسیستم زنجیره ارزش حلال	یافته‌ها بیانگر آن بود که وقف نقدی می‌تواند به عنوان ابزار تأمین مالی پایدار، موجب تقویت زنجیره ارزش، افزایش رقابت‌پذیری و توسعه کسب‌وکارهای راهبردی شود.
لوبیس و مارپائونگ ^۳ (2025)	بهینه‌سازی وقف نقدی و توسعه دارایی‌های وقفی برای رشد پایدار اقتصادی	نتایج نشان داد ترکیب وقف نقدی، صکوک و نهادهای مالی اسلامی ظرفیتی زیاد برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای و تولیدی دارد.
شهریل ^۴ و همکاران (2025)	تحول دیجیتال وقف و توانمندسازی بنگاه‌های کوچک و متوسط	نتایج حاکی از آن بود که دیجیتالی‌سازی وقف می‌تواند منابع مالی جدیدی برای توسعه بنگاه‌های اقتصادی و زنجیره‌های ارزش ایجاد کند.
السعدی ^۵ (2025)	همگرایی فناوری زنجیره بلوکی و اقتصاد اسلامی	یافته‌ها نشان داد فناوری‌های نوین مالی می‌توانند شفافیت، کارایی و قابلیت ردیابی منابع وقفی را افزایش دهند و زمینه توسعه ابزارهای مالی اسلامی را فراهم کنند.
بدران و باموس ^۶ (2025)	راهکارهای نوآورانه تأمین مالی و عملکرد اقتصادی بنگاه‌ها	نتایج بیانگر آن بود که ابزارهای نوین تأمین مالی نقشی مهم در بهبود عملکرد مالی بنگاه‌ها و افزایش تاب‌آوری اقتصادی در شرایط محدودیت منابع دارند.
جوتی ^۷ (2022)	ابزارهای مالی و وقف نقدی در پیوند با توسعه پایدار	پژوهش نشان داد وقف نقدی می‌تواند از طریق ابزارهای نوین مالی اسلامی در تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای و زیرساختی نقشی مؤثر ایفا کند.
مجید ^۸ (2022)	پایداری اراضی کشاورزی و تأمین مالی کشاورزی از طریق وقف	یافته‌ها نشان داد وقف ظرفیتی مناسب برای تأمین مالی فعالیت‌های تولیدی و افزایش پایداری بخش کشاورزی دارد.
سلیمان ^۹ و همکاران (2022)	بهینه‌سازی صکوک مبتنی بر وقف نقدی برای حمایت از بهبود اقتصادی	نتایج نشان داد ترکیب وقف نقدی و صکوک می‌تواند به عنوان ابزار نوآورانه تأمین مالی در حمایت از بخش‌های راهبردی اقتصاد استفاده شود.

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد پژوهش‌های داخلی عمدتاً بر آثار تحریم‌ها، اقتصاد مقاومتی، زنجیره تأمین صنایع راهبردی و ابعاد فقهی و نهادی وقف تمرکز داشته‌اند و مطالعات خارجی نیز بیشتر توسعه ابزارهایی مانند وقف نقدی،

¹ Korkut

² Nissa

³ Lubis & Marpaung

⁴ Syahril

⁵ Alsadi

⁶ Badrane & Bamousse

⁷ Jouti

⁸ Majid

⁹ Sulaeman



صکوک وقفی و فناوری‌های نوین مالی اسلامی را بررسی کرده‌اند. با وجود این، پیوند نظام‌مند میان ظرفیت‌های وقف، سازوکارهای مالی‌سازی و الزامات تأمین مالی زنجیره ارزش صنایع راهبردی در شرایط تحریم کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ از این رو، نوآوری پژوهش حاضر در ارائه مدلی جامع برای تبدیل منابع وقفی به ابزارهای مالی اثربخش با رویکرد دفاع اقتصادی است که با تلفیق ابعاد نهادی، مالی و حکمرانی و بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی داده‌بنیاد، دلفی فازی و مدل‌سازی معادلات ساختاری، چارچوبی برای ارتقای تاب‌آوری اقتصادی و حمایت از صنایع راهبردی ارائه می‌کند.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، ترکیبی (کیفی-کمی) است. این پژوهش با رویکرد اکتشافی آغاز می‌شود و در ادامه، به مرحله اعتبارسنجی و آزمون مدل می‌رسد. در این راستا، طراحی مدل مالی‌سازی وقف برای حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی در شرایط تحریم در دو مرحله اصلی انجام شد.

در مرحله اول، رویکرد کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد^۱ به کار گرفته شد. هدف این مرحله استخراج ابعاد، مؤلفه‌ها و روابط میان مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش از طریق تحلیل نظام‌مند داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق با خبرگان است. جامعه آماری در این بخش شامل خبرگان حوزه وقف، متخصصان مالی اسلامی، مدیران صنایع راهبردی و متخصصان اقتصاد مقاومتی است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با رویکرد نظری انجام و حجم نمونه تا رسیدن به اشباع نظری، بین ۱۵ تا ۲۰ نفر در نظر گرفته شد. در این مرحله، داده‌های کیفی گردآوری شده از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، با استفاده از فرایند کدگذاری در سه سطح کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تحلیل شدند. این فرایند به استخراج مدل مفهومی اولیه پژوهش شامل ابعاد، مقوله‌ها و روابط علی میان آنها منجر شد.

در مرحله دوم، پژوهش وارد فاز اعتبارسنجی و آزمون مدل شد. در بخش نخست این مرحله، از روش دلفی فازی برای غربالگری، پالایش و تأیید مؤلفه‌های استخراج شده از مرحله کیفی استفاده شد. هدف از به کارگیری این روش دستیابی به اجماع نسبی میان خبرگان و اطمینان از اعتبار محتوایی ابعاد و شاخص‌های مدل مفهومی بود. پس از نهایی‌سازی شاخص‌ها، پرسشنامه کمی پژوهش تدوین و در میان جامعه آماری مرحله کمی شامل مدیران، کارشناسان و متخصصان مرتبط با حوزه وقف، مالی اسلامی، صنایع راهبردی و اقتصاد مقاومتی توزیع شد. نمونه‌گیری در این مرحله به روش هدفمند و در دسترس انجام شد و تعداد ۱۵۰ پرسشنامه قابل استفاده برای تحلیل نهایی جمع‌آوری شد. در ادامه، داده‌های کمی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) و نرم‌افزار SmartPLS تحلیل شدند تا روابط میان سازه‌های مدل، میزان تأثیر مالی‌سازی وقف بر حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی و نقش آن در تقویت پیامدهای دفاع اقتصادی آزمون شود.

ترکیب این دو رویکرد، یعنی داده‌بنیاد برای طراحی مدل، دلفی فازی برای پالایش و تأیید خبرگان و PLS برای آزمون نهایی روابط ساختاری، موجب افزایش اعتبار علمی و تجربی پژوهش می‌شود و امکان ارائه یک مدل جامع و قابل اتکا را فراهم می‌کند. تمامی مراحل اجرایی پژوهش در بازه زمانی نیمه دوم سال ۱۴۰۴ برنامه‌ریزی شد؛ به گونه‌ای که مرحله کیفی و جمع‌آوری داده‌های اولیه در ماه‌های ابتدایی این دوره و مراحل دلفی فازی و تحلیل معادلات ساختاری در ادامه همان بازه زمانی انجام شدند. تحلیل داده‌ها در بخش کمی با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS انجام شد که یکی از ابزارهای معتبر در مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌های علوم انسانی و مدیریت به شمار می‌رود.

¹ Grounded Theory

۴- ارائه مدل مفهومی

۴-۱ مرحله اول: طراحی مدل کیفی با رویکرد نظریه داده بنیاد

در این پژوهش، مرحله نخست با هدف طراحی مدل مفهومی اولیه، با استفاده از رویکرد نظریه داده بنیاد انجام شده است. این رویکرد به منظور استخراج نظام مند مفاهیم، مقوله ها و روابط میان آنها از دل داده های تجربی و بدون تحمیل چارچوب نظری از پیش تعیین شده به کار گرفته شده است. تمرکز اصلی در این مرحله کشف سازوکارهای حاکم بر مالی سازی وقف و نقش آن در حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی در شرایط تحریم بوده است.

جامعه آماری این مرحله شامل خبرگان حوزه های مرتبط با وقف، مالی اسلامی، اقتصاد مقاومتی و صنایع راهبردی بوده است. انتخاب خبرگان به روش نمونه گیری هدفمند و نظری انجام شده و معیار انتخاب شامل دست کم ۱۰ سال سابقه علمی یا اجرایی مرتبط، تسلط بر حوزه تخصصی و آشنایی با مسائل تأمین مالی در شرایط تحریم بوده است (جدول ۲).

جدول ۲. ترکیب جامعه خبرگان مصاحبه

Table 2. Composition of the Interview Expert Panel

گروه تخصصی	تعداد نفرات	معیار انتخاب
متخصصان وقف و موقوفات	۵ نفر	سابقه در سازمان اوقاف یا پژوهش های وقفی
متخصصان مالی اسلامی	۴ نفر	تسلط بر ابزارهای مالی اسلامی و صکوک
مدیران صنایع راهبردی	۵ نفر	تجربه مدیریتی در صنایع راهبردی (انرژی، دارو، فناوری)
متخصصان اقتصاد مقاومتی	۴ نفر	فعالیت پژوهشی یا سیاست گذاری در حوزه اقتصاد مقاومتی
جمع کل	۱۸ نفر	اشباع نظری

(منبع: یافته های پژوهش)

در مرحله کدگذاری باز، داده های حاصل از مصاحبه ها به صورت خط به خط تحلیل و مفاهیم اولیه استخراج شدند (جدول ۳). در این مرحله، تلاش شد تا تمامی مفاهیم مرتبط با چالش ها، فرصت ها و سازوکارهای مالی سازی وقف بدون دسته بندی اولیه شناسایی شوند.

جدول ۳. جدول نمونه کدگذاری باز

Table 3. Sample Open Coding Table

گزاره مصاحبه	کد باز استخراج شده
محدودیت شدید منابع مالی در صنایع تحریمی	کمبود منابع مالی پایدار
ناکارآمدی روش های سنتی وقف در اقتصاد امروز	ضعف کارکرد وقف سنتی
وابستگی شدید صنایع به واردات مواد اولیه	وابستگی زنجیره تأمین
نبود ابزارهای مالی نوین در حوزه وقف	فقدان ابزارهای مالی سازی وقف
عدم دسترسی صنایع به منابع سرمایه گذاری بلندمدت	محدودیت تأمین مالی بلندمدت
نوسانات شدید ناشی از تحریم های خارجی	اثربخشی زیاد از تحریم
ضعف ارتباط وقف با بازار سرمایه	گسست نهادی وقف و بازار

(منبع: یافته های پژوهش)



جدول ۳ شامل نمونه‌ای از کدهای باز استخراج شده از داده‌های مصاحبه است. در مرحله بعد، کدهای باز در قالب مقوله‌های متمرکزتر سازمان‌دهی شدند (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج کدگذاری محوری بر اساس الگوی پارادایمی استراوس و کوربین

Table 4. Results of Axial Coding Based on the Strauss and Corbin Paradigmatic Model

اجزای پارادایم استراوس و کوربین	مقوله‌های استخراج شده
شرایط علی	کمبود منابع مالی پایدار، محدودیت تأمین مالی بلندمدت، فشارهای ناشی از تحریم
پدیده محوری	مالی سازی وقف برای حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی
شرایط زمینه‌ای	ظرفیت‌های نهادی وقف، ساختار سنتی وقف، ویژگی‌های زنجیره ارزش صنایع راهبردی
شرایط مداخله‌گر	الزامات حکمرانی، شفافیت مالی، قوانین و مقررات مالی اسلامی
راهبردها	توسعه ابزارهای مالی سازی وقف، ایجاد نهادهای واسط، پیوند وقف با بازار سرمایه
پیامدها	تقویت تاب‌آوری اقتصادی، حمایت از صنایع راهبردی، ارتقای دفاع اقتصادی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

بر اساس الگوی پارادایمی استراوس و کوربین، مقوله‌های استخراج شده از مرحله کدگذاری محوری در قالب شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها سازمان‌دهی شدند. با این حال، مقوله‌های حاصل از کدگذاری محوری بیانگر سطوح مفهومی اولیه مدل و برای دستیابی به ساختار نهایی پژوهش نیازمند یکپارچه‌سازی نظری در مرحله کدگذاری انتخابی بودند. در این مرحله، مقوله‌های محوری، کدهای مرتبط و روابط مفهومی میان آنها مجدداً بررسی و با توجه به نقش هر مفهوم در فرایند مالی سازی وقف، در قالب ابعاد نهایی مدل مفهومی سازمان‌دهی شدند.

در فرایند تبدیل مقوله‌های محوری به ابعاد نهایی، مفاهیم هم‌خانواده در قالب سازه‌های جامع‌تر تجمیع شدند؛ به گونه‌ای که کدهای مرتبط با ظرفیت‌های مالی و دارایی‌های قابل تجهیز وقفی در بُعد «منابع وقفی»، مفاهیم مرتبط با سازوکارهای تأمین مالی نوین در بُعد «ابزارهای مالی سازی وقف» و کدهای مرتبط با شفافیت، نظارت، مدیریت ریسک و پاسخ‌گویی در بُعد «الزامات حکمرانی» قرار گرفتند. همچنین، سایر مفاهیم استخراج شده با توجه به نقش آنها در ایجاد پیوند میان وقف و بخش واقعی اقتصاد، به ابعاد «نهادهای واسط»، «حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی» و «پیامدهای دفاع اقتصادی» انتقال یافتند. بر این اساس، شاخص‌های مرحله دلفی فازی نیز، نه به صورت مستقل، بلکه به عنوان صورت‌بندی عملیاتی مؤلفه‌های استخراج شده از فرایند کدگذاری و مدل‌سازی کیفی پژوهش تدوین شدند.

بر همین اساس، در مرحله نهایی، مقوله‌های اصلی در قالب یک مدل یکپارچه سازمان‌دهی شدند که به استخراج شش بُعد اصلی مدل مفهومی منجر شد:

- منابع وقفی
- ابزارهای مالی سازی وقف
- نهادهای واسط
- حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی
- الزامات حکمرانی
- پیامدهای دفاع اقتصادی

این ابعاد ساختار نهایی مدل مفهومی اولیه پژوهش را تشکیل دادند و مبنای ورود به مرحله اعتبارسنجی از طریق دلفی فازی و سپس آزمون روابط ساختاری با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM) قرار گرفتند (جدول ۵).



جدول ۵. مدل مفهومی پژوهش (مدل زنجیره ای مالی سازی وقف)

Table 5. Conceptual Model of the Research (Waqf Financialization Chain Model)

مرحله	بعد اصلی	مؤلفه ها	نقش عملکردی در مدل
۱	منابع وقفی	وقف نقدی، وقف سهام، دارایی های مولد، صندوق های وقفی	تولید و تجميع سرمایه اجتماعی قابل تبدیل به سرمایه مالی
۲	ابزارهای مالی سازی وقف	صکوک وقفی، صندوق های سرمایه گذاری وقفی، تأمین مالی جمعی وقفی، شرکت های وقفی	تبدیل منابع غیرنقدی و پراکنده به جریان سرمایه گذاری سازمان یافته
۳	نهادهای واسطه	سازمان اوقاف، بازار سرمایه، بانک های اسلامی، صندوق های توسعه	کاهش اصطکاک نهادی و اتصال وقف به اقتصاد رسمی و بازار مالی
۴	حمایت از زنجیره ارزش	تأمین مواد اولیه، تحقیق و توسعه، سرمایه در گردش، توسعه فناوری	هدف گیری منابع مالی در نقاط گلوگاهی و راهبردی زنجیره تولید
۵	الزامات حکمرانی	شفافیت، نظارت شرعی، مدیریت ریسک، پاسخ گویی	کاهش ریسک شکست نهادی و افزایش اعتماد و پایداری جریان مالی
۶	پیامدهای دفاع اقتصادی	تاب آوری اقتصادی، کاهش اثر تحریم، امنیت تولید، اشتغال پایدار، خودکفایی فناوری	تبدیل اثرات مالی به ظرفیت مقاومت اقتصادی و امنیت ملی

(منبع: یافته های پژوهش)

تحلیل مدل نشان می دهد سازوکار مالی سازی وقف در این پژوهش صرفاً یک ابزار تأمین مالی جایگزین نیست، بلکه یک «مدل بازتوزیع ساختاری سرمایه اجتماعی به ظرفیت اقتصادی مقاوم» محسوب می شود. در این چارچوب، وقف از حالت دارایی منفعل خارج و وارد یک زنجیره ارزش نهادی مالی می شود که در آن، هر مرحله نقش تبدیل کننده دارد.

- در لایه نخست، منابع وقفی به عنوان «انباشت سرمایه اجتماعی غیرسیال» عمل می کنند. مسئله کلیدی در این سطح، نه کمبود منابع، بلکه «عدم تبدیل پذیری نهادی» این منابع به جریان مالی فعال است؛ بنابراین، مدل با تبدیل این منابع به ورودی های مالی قابل مدیریت، اولین گلوگاه ساختاری نظام وقف را برطرف می کند.

- در لایه دوم، ابزارهای مالی سازی وقف نقش «مکانیسم های تبدیل نقدینگی و تخصیص کارا» را ایفا می کنند. اهمیت این لایه در آن است که وقف را از یک ساختار خیره ای ایستا، به یک سیستم سرمایه گذاری هدفمند با قابلیت تخصیص به بخش های مولد اقتصاد تبدیل می کند. در واقع، این مرحله نقطه عبور از اقتصاد خیرمحور به اقتصاد توسعه محور است.

- لایه سوم، یعنی نهادهای واسطه، نقشی تعیین کننده در کاهش شکاف میان نظام وقف و نظام مالی رسمی دارند. بدون این لایه، مالی سازی وقف دچار «گسست نهادی» می شود. این نهادها با ایجاد اتصال میان وقف، بازار سرمایه و نظام بانکی، امکان ورود وقف به چرخه اقتصاد کلان را فراهم می آورند و از انزوای نهادی آن جلوگیری می کنند.

- در لایه چهارم، تمرکز مدل از «تأمین مالی عمومی» به «تخصیص هدفمند در زنجیره ارزش» تغییر می کند. این نقطه هسته راهبردی مدل است؛ زیرا منابع مالی وقف به صورت تصادفی توزیع نمی شوند، بلکه به گلوگاه های حیاتی تولید (تحقیق و توسعه، مواد اولیه، فناوری و سرمایه در گردش) هدایت می شوند. این ویژگی، مدل را از یک سازوکار مالی عمومی به یک ابزار سیاست صنعتی تبدیل می کند.

- لایه پنجم، یعنی الزامات حکمرانی، نقش «سیستم کنترل و کاهش ریسک نهادی» را دارد. در اینجا، شفافیت و نظارت شرعی صرفاً اصول اخلاقی نیستند، بلکه ابزارهای کاهش هزینه مبادله، افزایش اعتماد و جلوگیری از انحراف منابع محسوب می شوند. در واقع، بدون این لایه، کل زنجیره دچار شکست اجرایی می شود.

- در نهایت، پیامدهای دفاع اقتصادی نشان می‌دهد خروجی مدل صرفاً اقتصادی نیست، بلکه ماهیت «امنیتی-راهبردی» دارد. تاب‌آوری اقتصادی، کاهش اثر تحریم و امنیت تولید در اینجا به عنوان پیامدهای خطی ساده دیده نمی‌شوند، بلکه به عنوان «برایند هم‌افزای کل سیستم» تفسیر می‌شوند. به بیان دیگر، هر ضعف در یکی از لایه‌ها مستقیماً به کاهش سطح دفاع اقتصادی منجر می‌شود، و برعکس، تقویت هم‌زمان لایه‌ها موجب شکل‌گیری یک سیستم اقتصادی مقاوم در برابر شوک‌های بیرونی می‌شود.

۲-۴ مرحله اول: اعتبارسنجی و پالایش مدل با استفاده از دلفی فازی

پس از استخراج مدل مفهومی اولیه در مرحله داده‌بنیاد، به منظور افزایش اعتبار محتوایی و دستیابی به اجماع میان خبرگان، از تکنیک دلفی فازی استفاده شد. هدف این مرحله غربال‌گری، اصلاح و تأیید نهایی ابعاد و مؤلفه‌های مدل مالی‌سازی وقف در حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی در شرایط تحریم بوده است. در این مرحله، تمرکز اصلی بر کاهش ابهام، همگرایی دیدگاه خبرگان و تبدیل قضاوت‌های کیفی به مقادیر کمی فازی بوده است. فرایند دلفی فازی در دو دور اصلی اجرا شد. در دور اول، شاخص‌های استخراج‌شده از مرحله داده‌بنیاد در اختیار خبرگان قرار گرفتند و از آنان خواسته شد میزان اهمیت هر شاخص را بر اساس طیف زبانی (خیلی کم تا خیلی زیاد) ارزیابی کنند. در دور دوم، نتایج تجمیع‌شده دور اول همراه با بازخورد گروهی به خبرگان ارائه شد تا امکان اصلاح نظرات و افزایش همگرایی فراهم شود. برای این منظور، در این پژوهش، از طیف پنج‌گانه فازی به شرح **جدول ۶** استفاده شد.

جدول ۶. ابزار اندازه‌گیری و مقیاس فازی

Table 6. Measurement Instrument and Fuzzy Scale

ارزیاب زبانی	عدد فازی مثلثی
بسیار کم	(۰، ۰، ۰/۲۵)
کم	(۰/۲۵، ۰/۲۵، ۰/۵)
متوسط	(۰/۲۵، ۰/۵، ۰/۷۵)
زیاد	(۰/۵، ۰/۷۵، ۱)
بسیار زیاد	(۰/۷۵، ۱، ۱)

(منبع: یافته‌های پژوهش)

مراحل تحلیل به صورت زیر انجام شدند:

۱. تبدیل نظرات زبانی خبرگان به اعداد فازی

۲. محاسبه میانگین فازی هر شاخص

۳. انجام دی‌فازی‌سازی

۴. محاسبه مقدار نهایی اهمیت هر شاخص

۵. تعیین آستانه پذیرش

۶. حذف یا تأیید شاخص‌ها بر اساس مقدار آستانه

نتایج مراحل فوق در **جدول ۷** ارائه شده است.



جدول ۷. نمونه خروجی دلفی فازی (غربال شاخص ها)

Table 7. Sample Fuzzy Delphi Output (Indicator Screening)

شاخص	مقدار دی فازی شده	وضعیت
وقف نقدی	۰/۸۲	تأیید
وقف سهام	۰/۷۹	تأیید
صکوک وقفی	۰/۸۶	تأیید
تأمین مالی جمعی وقفی	۰/۷۴	تأیید
شرکت های وقفی	۰/۷۱	تأیید
شفافیت نهادی	۰/۸۸	تأیید
نظارت شرعی	۰/۹۱	تأیید
کاهش اثر تحریم	۰/۸۴	تأیید
اشتغال پایدار	۰/۸۰	تأیید

(منبع: یافته های پژوهش)

در این پژوهش، مقدار آستانه پذیرش برابر ۰/۷ در نظر گرفته شد. شاخص هایی که مقدار دی فازی شده آنها کمتر از این مقدار بود، حذف یا اصلاح شدند. نتایج نشان داد بیشتر شاخص های استخراج شده از مرحله داده بنیاد از سطحی مطلوب از اجماع خبرگان برخوردار بودند و در مدل نهایی حفظ شدند. خروجی این مرحله مدلی پالایش شده و تأیید شده از ابعاد و مؤلفه های مالی سازی وقف بود که مبنای ورود به مرحله سوم پژوهش، یعنی آزمون روابط ساختاری با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM) قرار گرفت. این مرحله نقش کلیدی در افزایش اعتبار محتوایی مدل و کاهش سوگیری های فردی در مرحله کیفی اولیه ایفا کرد. گفتنی است، دلفی فازی در این پژوهش به عنوان حلقه واسط میان داده بنیاد و تحلیل کمی عمل کرده و موجب تبدیل ساختار مفهومی اولیه به یک مدل اجماعی و قابل آزمون شده است. این فرایند نه فقط اعتبار محتوایی مدل را افزایش داده، بلکه زمینه را برای آزمون تجربی روابط ساختاری در مرحله PLS فراهم کرده است. گفتنی است، در فرایند دلفی فازی، علاوه بر شاخص های تأیید شده، تعدادی از شاخص های اولیه به دلیل کسب مقدار دی فازی شده کمتر از حد آستانه ۰/۷، حذف یا پس از دریافت نظر خبرگان اصلاح شدند. جدول ۸ نمونه ای از شاخص های حذف شده و اصلاح شده را نشان می دهد.

جدول ۸. نتایج پالایش شاخص ها در مرحله دلفی فازی

Table 8. Results of Indicator Refinement in the Fuzzy Delphi Phase

شاخص اولیه	مقدار دی فازی شده	تصمیم نهایی	اقدام انجام شده
تبلیغات و ترویج عمومی وقف	۰/۶۲	حذف	عدم اجماع خبرگان درباره نقش مستقیم در مدل مالی سازی
وقف املاک غیرمولد	۰/۶۶	اصلاح	تبدیل به «دارایی های وقفی قابل مولدسازی»
تسهیلات بانکی مبتنی بر وقف	۰/۶۸	اصلاح	ادغام با «ابزارهای تأمین مالی اسلامی»

(منبع: یافته های پژوهش)

بررسی شاخص های حذف شده و اصلاح شده نشان می دهد فرایند دلفی فازی صرفاً به تأیید شاخص های استخراج شده از مرحله کیفی محدود نبوده، بلکه نقش پالایشی و ارتقای دقت مفهومی مدل را نیز ایفا کرده است. برخی از شاخص ها به دلیل فاصله داشتن از محور اصلی مالی سازی وقف یا نبود اجماع کافی میان خبرگان حذف شدند و برخی دیگر با هدف افزایش انطباق مفهومی و



کاهش هم‌پوشانی با سایر مؤلفه‌ها اصلاح یا ادغام شدند؛ در نتیجه، مدل نهایی بر مجموعه‌ای از شاخص‌هایی استوار شد که علاوه بر پشتوانه نظری و استخراج از فرایند داده‌بنیاد، از تأیید و اجماع خبرگان تخصصی نیز برخوردار بودند.

۳-۴ مرحله سوم: آزمون مدل با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM)

در این مرحله، به منظور آزمون تجربی روابط بین سازه‌های استخراج‌شده از مرحله داده‌بنیاد و تأییدشده در مرحله دلفی فازی، از مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) استفاده شد. هدف این مرحله بررسی روابط علی میان ابعاد مدل و سنجش قدرت تبیین آن در توضیح پیامدهای دفاع اقتصادی در شرایط تحریم بوده است. انتخاب روش PLS-SEM به دلیل ماهیت اکتشافی مدل، عدم توزیع نرمال داده‌ها و تمرکز بر پیش‌بینی سازه‌های وابسته صورت گرفته است. بر اساس مدل مفهومی، فرضیه‌های زیر تدوین شدند:

- منابع وقفی تأثیر مثبت بر ابزارهای مالی‌سازی وقف دارند.
 - ابزارهای مالی‌سازی وقف تأثیر مثبت بر نهادهای واسط دارند.
 - نهادهای واسط تأثیر مثبت بر حمایت از زنجیره ارزش دارند.
 - حمایت از زنجیره ارزش تأثیر مثبت بر تاب‌آوری اقتصادی دارد.
 - تاب‌آوری اقتصادی تأثیر مثبت بر دفاع اقتصادی دارد.
- نتایج شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری در **جدول ۹** ارائه شده است.

جدول ۹. نتایج شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری

Table 9. Results of Fit Indices for the Measurement Model

AVE	CR	آلفای کرونباخ	سازه
۰/۶۵	۰/۹۰	۰/۸۶	منابع وقفی
۰/۶۷	۰/۹۱	۰/۸۸	ابزارهای مالی‌سازی
۰/۶۳	۰/۸۹	۰/۸۴	نهادهای واسط
۰/۶۶	۰/۹۰	۰/۸۷	زنجیره ارزش
۰/۶۴	۰/۸۸	۰/۸۵	تاب‌آوری اقتصادی
۰/۶۸	۰/۹۲	۰/۸۹	دفاع اقتصادی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتایج مندرج در **جدول ۹** نشان می‌دهد تمامی سازه‌های پژوهش از نظر شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری در وضعیت مطلوب قرار دارند. مقادیر آلفای کرونباخ برای همه سازه‌ها بیشتر از حد آستانه ۰/۷ است که بیانگر پایایی درونی مناسب ابزار اندازه‌گیری است. همچنین، ضرایب پایایی ترکیبی (CR) در تمامی سازه‌ها بیشتر از ۰/۸ گزارش شده که نشان‌دهنده انسجام مناسب گویه‌ها در سنجش هر سازه است. از سوی دیگر، مقادیر میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) نیز در همه سازه‌ها بیش از ۰/۵ است که حاکی از تأیید روایی همگرا و تبیین مناسب واریانس متغیرهای مشاهده‌شده توسط سازه‌های مربوط است. در مجموع، نتایج این بخش بیانگر آن است که مدل اندازه‌گیری از اعتبار و پایایی کافی برخوردار و شرایط لازم برای ورود به مرحله آزمون مدل ساختاری در چارچوب PLS-SEM فراهم است.



جدول ۱۰. نتایج مدل ساختاری (ضرایب مسیر)

Table 10. Results of the Structural Model (Path Coefficients)

مسیر	ضریب مسیر	مقدار t	نتیجه
منابع → ابزارهای مالی سازی	۰/۷۱	۵/۳۲	تأیید
ابزارها → نهادهای واسط	۰/۶۸	۴/۹۸	تأیید
نهادهای → زنجیره ارزش	۰/۷۴	۶/۱۱	تأیید
زنجیره ارزش → تاب آوری	۰/۷۷	۶/۴۵	تأیید
تاب آوری → دفاع اقتصادی	۰/۸۱	۷/۰۲	تأیید

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتایج ارائه شده در جدول ۱۰ نشان می‌دهد تمامی روابط ساختاری پیشنهادی در مدل پژوهش از نظر آماری معنادار بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده‌اند. به طور مشخص، تمامی ضرایب مسیر دارای مقدار t بزرگ‌تر از ۱/۹۶ هستند که بیانگر معناداری روابط علی میان سازه‌های مدل است.

بر اساس یافته‌ها، قوی‌ترین رابطه در مدل مربوط به مسیر «تاب آوری اقتصادی → دفاع اقتصادی» با ضریب مسیر ۰/۸۱ و مقدار t برابر ۷/۰۲ است. این نتیجه نشان می‌دهد تاب آوری اقتصادی نقشی کلیدی و تعیین کننده در شکل گیری دفاع اقتصادی در شرایط تحریم دارد و به عنوان نزدیک ترین پیش برنده پیامد نهایی مدل عمل می‌کند. همچنین، مسیر «حمایت از زنجیره ارزش → تاب آوری اقتصادی» با ضریب ۰/۷۷ و مقدار t برابر ۶/۴۵ نشان می‌دهد تقویت حلقه‌های زنجیره ارزش صنایع راهبردی اثری مستقیم و قابل ملاحظه بر افزایش تاب آوری اقتصادی دارد. این یافته بیانگر آن است که مداخله در سطح زنجیره تولید یکی از نقاط اهرمی اصلی در ارتقای مقاومت اقتصادی کشور محسوب می‌شود. در ادامه، رابطه «نهادهای واسط → حمایت از زنجیره ارزش» با ضریب ۰/۷۴ نیز تأیید می‌کند نقش نهادهای مالی و نهادی در انتقال منابع مالی سازی شده وقف به بخش‌های مولد اقتصاد بسیار کلیدی است. این نهادها به عنوان حلقه اتصال بین منابع مالی و بخش واقعی اقتصاد عمل می‌کنند. همچنین، مسیر «ابزارهای مالی سازی وقف → نهادهای واسط» با ضریب ۰/۶۸ نشان می‌دهد توسعه ابزارهای نوین مالی در حوزه وقف پیش نیاز فعال سازی نقش نهادهای واسط و ورود منابع به چرخه اقتصادی است. در نهایت، مسیر «منابع وقفی → ابزارهای مالی سازی وقف» با ضریب ۰/۷۱ بیانگر آن است که ظرفیت‌های اولیه وقف (اعم از نقدی، سهام و دارایی‌های مولد) در صورت ورود به فرایند مالی سازی، قابلیت تبدیل به جریان‌های سرمایه گذاری هدفمند را دارند. در مجموع، نتایج مدل ساختاری نشان می‌دهد اثر گذاری وقف بر دفاع اقتصادی یک اثر مستقیم و خطی نیست، بلکه در قالب یک زنجیره علی چندلایه از منابع وقفی تا تاب آوری اقتصادی و در نهایت دفاع اقتصادی در شرایط تحریم تحقق می‌یابد. این ساختار بیانگر نقش میانجی گرانه متغیرهای مالی سازی و نهادی در انتقال اثر وقف به پیامدهای کلان اقتصادی است.

در پایان این بخش، به منظور ارزیابی کیفیت مدل ساختاری، شاخص‌های قدرت تبیین (R^2)، قدرت پیش‌بینی (Q^2) و برازش مدل (SRMR) بررسی شدند.

جدول ۱۱. شاخص‌های ارزیابی قدرت تبیین، قدرت پیش‌بینی و برازش مدل ساختاری

Table 11. Evaluation Indices of Explanatory Power, Predictive Power, and Structural Model Fit

سازه درونزا	ضریب تعیین (R^2)	مقدار Q2	ارزیابی قدرت تبیین و پیش‌بینی
حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی	۰/۶۲	۰/۴۱	مطلوب
الزامات حکمرانی	۰/۵۵	۰/۳۶	مطلوب
پیامدهای دفاع اقتصادی	۰/۶۸	۰/۴۶	مطلوب
شاخص برازش مدل	مقدار به دست آمده	معیار قابل قبول	نتیجه
SRMR	۰/۰۷۱	کمتر از ۰/۰۸	تأیید برازش مناسب مدل

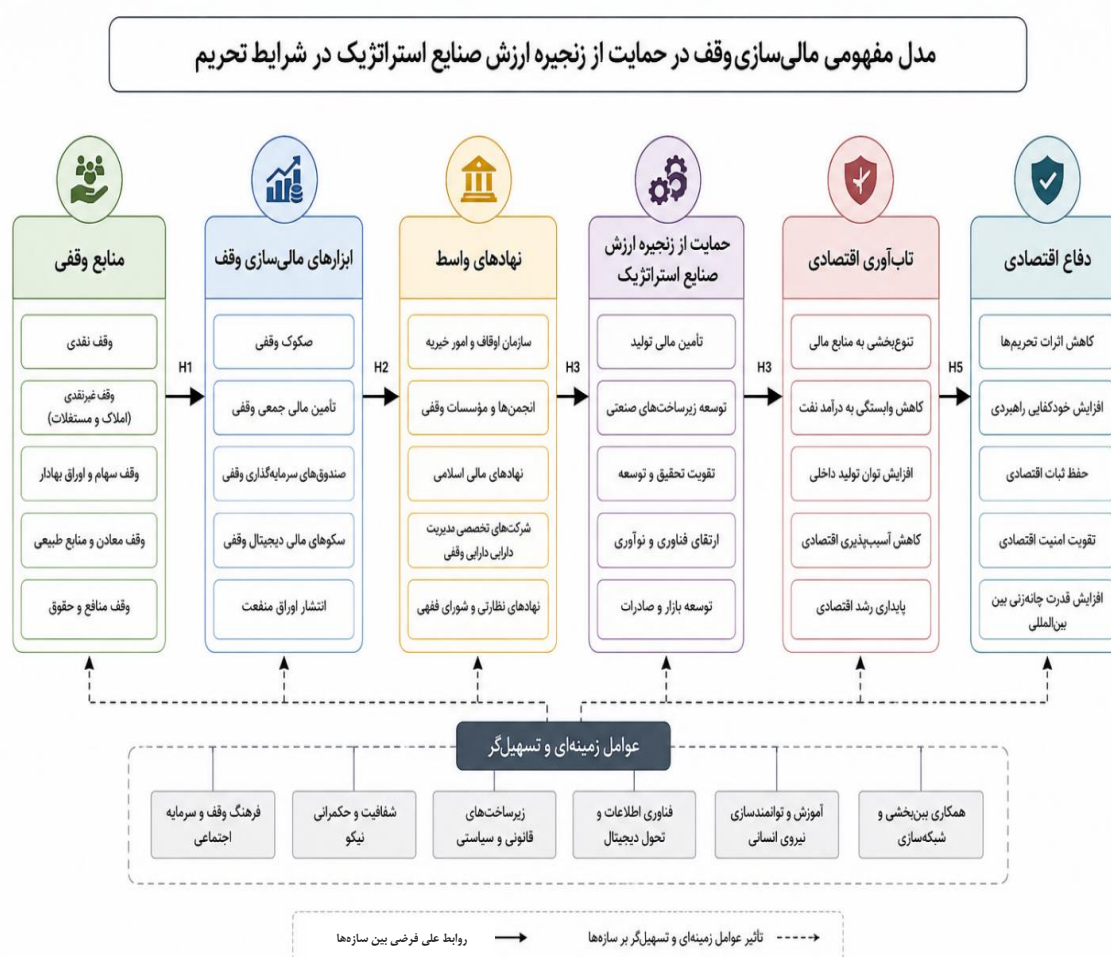
(منبع: یافته‌های پژوهش)



نتایج جدول ۱۱ بیانگر آن است که سازه‌های درون‌زای مدل از قدرت تبیین مناسبی برخوردار بوده و متغیرهای پیش‌بین توانسته‌اند بخشی قابل ملاحظه از تغییرات سازه‌های وابسته را توضیح دهند. همچنین، مثبت بودن مقادیر Q^2 نشان‌دهنده برخورداری مدل از توان پیش‌بینی مناسب است. مقدار SRMR نیز در محدوده قابل قبول قرار گرفته که بیانگر برازش مطلوب مدل ساختاری با داده‌های تجربی است؛ بنابراین، مدل پیشنهادی علاوه بر تأیید روابط ساختاری، از کیفیت تبیین و پیش‌بینی قابل قبول برخوردار است.

۴-۴ مدل نهایی پیشنهادی

در ادامه این بخش، با هدف یکپارچه‌سازی یافته‌های حاصل از مرحله کیفی (نظریه داده‌بنیاد) و فراهم‌سازی بستر لازم برای اعتبارسنجی خبرگان و آزمون تجربی مدل، چارچوب مفهومی پژوهش ارائه می‌شود:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

Figure 1. Conceptual Model of the Research

مدل طراحی شده در این پژوهش صرفاً یک نمایش ساختاری از متغیرها نیست، بلکه بازنمایی یک منطق سیستمی و زنجیره‌ای از تبدیل ظرفیت‌های مالی وقف به پیامدهای کلان در حوزه دفاع اقتصادی است. این مدل بر این فرض استوار

است که وقف به عنوان یک نهاد سنتی، در صورت ورود به فرایندهای مالی سازی و اتصال به نهادهای واسطه مالی، می تواند به یک جریان فعال تأمین مالی در حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی تبدیل شود. در این چارچوب، هر یک از ابعاد مدل نقش یک حلقه علی در مسیر تبدیل «منابع وقفی» به «تاب آوری و دفاع اقتصادی» را ایفا می کند. مدل مفهومی ارائه شده خروجی نهایی مرحله کدگذاری انتخابی در رویکرد نظریه داده بنیاد است و مبنای ورود به مرحله اعتبارسنجی از طریق دلفی فازی و سپس، آزمون روابط ساختاری با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM) قرار می گیرد (شکل ۱).

مدل مفهومی ارائه شده نشان می دهد فرایند اثرگذاری وقف بر پیامدهای دفاع اقتصادی، یک فرایند خطی و مستقیم نیست، بلکه ماهیتی زنجیره ای، تدریجی و چندلایه دارد. در این ساختار، منابع وقفی به عنوان نقطه آغازین مدل، از طریق ابزارهای مالی سازی به جریان های قابل تخصیص در نظام مالی تبدیل و سپس، با عبور از نهادهای واسطه، وارد بخش واقعی اقتصاد و زنجیره ارزش صنایع راهبردی می شوند. در ادامه، این جریان از طریق حمایت هدفمند از حلقه های کلیدی زنجیره ارزش، به تقویت تاب آوری اقتصادی منجر می شود و در نهایت، در سطح کلان، به ارتقای ظرفیت های دفاع اقتصادی در شرایط تحریم می انجامد. این ساختار نشان می دهد اثرگذاری وقف، نه به صورت مستقیم، بلکه از طریق مجموعه ای از سازوکارهای نهادی، مالی و تولیدی تحقق می یابد؛ در نتیجه، مدل مفهومی پژوهش یک چارچوب علی-سیستمی ارائه می دهد که در آن، هر مرحله شرط لازم برای تحقق مرحله بعدی و انسجام کل نظام در گرو تعامل هم زمان ابعاد مالی، نهادی و اقتصادی است.

۵- نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی مدل مالی سازی وقف برای حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی در شرایط تحریم و با رویکرد دفاع اقتصادی انجام شد. برخلاف بسیاری از مطالعات پیشین که هر یک فقط به ابعاد فقهی وقف، ابزارهای مالی اسلامی یا الزامات اقتصاد مقاومتی توجه داشته اند، این پژوهش تلاش کرد با بهره گیری از نظریه داده بنیاد، دلفی فازی و مدل سازی معادلات ساختاری، الگویی منسجم برای تبدیل ظرفیت های سنتی وقف به یک سازوکار نهادی و مالی در خدمت توسعه صنایع راهبردی ارائه کند. به این ترتیب، مدل نهایی پژوهش نه فقط روابط میان متغیرها را تبیین می کند، بلکه مسیر عملیاتی هدایت منابع وقفی به سمت تقویت تاب آوری اقتصادی را نیز مشخص می کند.

یافته های مرحله داده بنیاد نشان داد مالی سازی وقف بر شش بُعد اصلی شامل منابع وقفی، ابزارهای مالی سازی، نهادهای واسطه، حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی، الزامات حکمرانی و پیامدهای دفاع اقتصادی استوار است. این نتیجه بیانگر آن است که تحقق کارکرد توسعه ای وقف فقط با افزایش منابع مالی امکان پذیر نیست، بلکه وجود ابزارهای مالی نوین، نهادهای واسطه کارآمد و نظام حکمرانی شفاف، شرط تبدیل دارایی های وقفی به سرمایه مولد است. نتایج مرحله دلفی فازی نیز نشان داد خبرگان درباره ضرورت این ابعاد و شاخص های تشکیل دهنده آنها به اجماع زیادی دست یافته اند و هیچ یک از مؤلفه های اصلی حذف نشد؛ موضوعی که اعتبار محتوایی مدل را تقویت می کند. در مرحله مدل سازی معادلات ساختاری نیز تمامی روابط علی مدل در سطح معناداری تأیید شدند و مشخص شد منابع وقفی از طریق ابزارهای مالی سازی و نهادهای واسطه، اثری مثبت و معنادار بر حمایت از زنجیره ارزش صنایع راهبردی دارند و این حمایت افزایش تاب آوری اقتصادی و در نهایت، تقویت دفاع اقتصادی در شرایط تحریم را به دنبال دارد.

از نظر تحلیلی، مهم ترین دستاورد پژوهش آن است که نقش وقف را از یک نهاد صرفاً خیریه به یک نهاد توسعه گرا و سرمایه گذار ارتقا می دهد. یافته ها نشان می دهد چنانچه دارایی های وقفی در قالب ابزارهایی مانند صندوق های وقفی، صکوک وقفی،

وقف سهام و سازوکارهای نوین سرمایه‌گذاری سازمان‌دهی شوند، می‌توانند منابع مالی پایدار مورد نیاز بخش‌های راهبردی اقتصاد را تأمین کنند. همچنین، وجود نهادهای واسط تخصصی موجب افزایش شفافیت، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و ارتقای اعتماد عمومی خواهد شد و اثربخشی این منابع را در تقویت حلقه‌های مختلف زنجیره ارزش افزایش می‌دهد.

مقایسه مدل پیشنهادی پژوهش حاضر با الگوهای مالی‌سازی وقف در سایر کشورها نشان می‌دهد در سطح کلی، این مدل با تجربیات بین‌المللی در استفاده از ابزارهایی مانند وقف نقدی، صکوک وقفی، صندوق‌های وقفی و بهره‌گیری از نهادهای واسط مالی دارای اشتراک است؛ با این تفاوت که مدل ارائه‌شده مسئله تأمین مالی زنجیره ارزش صنایع راهبردی و الزامات دفاع اقتصادی در شرایط تحریم را به عنوان یک مؤلفه بومی در ساختار خود لحاظ می‌کند. در بسیاری از کشورها، مالی‌سازی وقف عمدتاً با هدف تأمین مالی فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و توسعه عمومی دنبال شده است، در حالی که مدل حاضر با تمرکز بر تاب‌آوری اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری زنجیره‌های تولید راهبردی، کارکردی فراتر از اهداف سنتی وقف تعریف می‌کند؛ بنابراین، وجه تمایز اصلی این مدل تلفیق ظرفیت‌های نهادی وقف با ابزارهای نوین مالی اسلامی و الزامات اقتصاد مقاومتی در بستر نهادی و اقتصادی ایران است که آن را به الگویی متناسب با شرایط تحریم و نیازهای راهبردی کشور تبدیل می‌کند.

یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات پیشین نیز هم‌سو است. تأکید بر توسعه ابزارهای نوین وقف با نتایج پژوهش‌های کورکوت (۲۰۲۵)، نیسا و همکاران (۲۰۲۵)، لویس و مارپائونگ (۲۰۲۵) و سلیمان و همکاران (۲۰۲۲) مبنی بر نقش وقف نقدی، صندوق‌های وقفی و صکوک در تجهیز منابع مالی هم‌خوانی دارد. همچنین، نتایج مربوط به اهمیت زنجیره ارزش صنایع راهبردی با یافته‌های حمزه‌پور و طهماسبی بلوک‌آباد (۱۴۰۰) و حسینی (۱۳۹۴) درباره ضرورت تقویت زنجیره‌های تولید در شرایط تحریم سازگار است. از سوی دیگر، نقش مالی‌سازی وقف در افزایش تاب‌آوری اقتصادی و کاهش آثار تحریم، یافته‌های مرادی و همکاران (۱۳۹۳) و زارعی و همکاران (۱۴۰۳) درباره اقتصاد مقاومتی و ضرورت استفاده از ظرفیت‌های درون‌زا را تکمیل می‌کند. با این حال، وجه تمایز پژوهش حاضر آن است که برای نخستین بار این مؤلفه‌ها را در قالب یک مدل علی و اعتبارسنجی شده تلفیق و مسیر تبدیل منابع وقفی به پیامدهای دفاع اقتصادی را به صورت نظام‌مند تبیین کرده است.

با وجود تلاش برای افزایش دقت و اعتبار نتایج، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه بوده است. نخست، به دلیل تخصصی‌بودن موضوع، جامعه مشارکت‌کنندگان به خبرگان حوزه‌های وقف، مالی اسلامی، صنایع راهبردی و اقتصاد مقاومتی محدود شد که ممکن است بر میزان تعمیم‌پذیری یافته‌ها اثرگذار باشد. دوم، مدل پیشنهادی در سطح کلان طراحی و اعتبارسنجی شده و در یک صنعت راهبردی خاص به صورت موردی اجرا نشده است. همچنین، محدودیت دسترسی به داده‌های مرتبط با حوزه‌های راهبردی و ملاحظات ناشی از شرایط تحریم امکان بررسی برخی از ابعاد اجرایی مدل را محدود کرد؛ از این رو، تعمیم نتایج به سایر بخش‌ها باید با در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های هر صنعت صورت گیرد.

با توجه به یافته‌های پژوهش و تأیید روابط علی میان ابعاد مدل، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

– ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری وقفی تخصصی برای صنایع راهبردی توسط سازمان اوقاف و با مشارکت بازار سرمایه، به منظور هدایت منابع حاصل از وقف نقدی، وقف سهام و سایر دارایی‌های وقفی به تأمین مالی حلقه‌های راهبردی زنجیره ارزش، به ویژه تحقیق و توسعه، تأمین مواد اولیه و سرمایه در گردش.

– توسعه ابزارهای مالی‌سازی وقف از طریق طراحی و انتشار صکوک وقفی و سایر ابزارهای مالی اسلامی متناسب با نیازهای صنایع راهبردی؛ به گونه‌ای که منابع وقفی از دارایی‌های غیرمولد به سرمایه‌گذاری‌های مولد و پایدار تبدیل شوند؛ موضوعی که در مدل پژوهش به عنوان مهم‌ترین حلقه اتصال منابع وقفی به زنجیره ارزش شناسایی شد.

– استقرار نظام یکپارچه حکمرانی موقوفات مبتنی بر شفافیت، نظارت شرعی، مدیریت ریسک و پاسخ‌گویی، به منظور افزایش اعتماد عمومی، ارتقای کارایی نهادهای واسط و پایداری جریان تأمین مالی؛ زیرا نتایج پژوهش نشان داد الزامات حکمرانی نقشی تعیین‌کننده در اثربخشی مالی سازی وقف دارند.

– گنجاندن مالی سازی وقف در سیاست‌های حمایت از صنایع راهبردی و اقتصاد مقاومتی به عنوان یکی از ابزارهای رسمی تأمین مالی؛ به گونه‌ای که منابع وقفی در کنار سایر منابع مالی، برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی و کاهش آثار تحریم‌ها به صورت هدفمند به کار گرفته شوند.

مقاله حامی مالی ندارد.

مقاله تعارض منافع ندارد.

در تهیه این مقاله، از هوش مصنوعی چت‌جی‌پی‌تی نسخه ۶ (GPT-6) برای بهبود نگارش و بازنویسی بخش پیشینه پژوهش استفاده شد. نویسندگان محتوای تولیدشده را بازبینی و ویرایش کردند و مسئولیت کامل محتوای نهایی مقاله را به عهده دارند.

۶- منابع فارسی

- آذربایجانی، ک. (۱۴۰۳). تحلیل راهبرد اقتصادی عوامل مؤثر بر تجارت محصولات اساسی کشاورزی بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا با استفاده از رویکرد شبکه و جاذبه. *راهبرد اقتصادی*، ۱۳ (۴)، ۶۸۵-۷۲۲.
<https://doi.org/10.22034/es.2025.489585.1813>
- حسینی، ع. ا. (۱۳۹۴). طراحی زنجیره تأمین رقابتی تحت شرایط تحریم با در نظر گرفتن استراتژی‌های بازگشت‌پذیر: نمونه موردی صنایع تجهیزات پزشکی ایران. *سومین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم*.
<https://civilica.com/doc/416028/>
- حمزه‌پور، م.، و طهماسبی بلوک‌آباد، ر. (۱۴۰۰). طراحی و تحلیل الگوی راهکارهای اثرگذار و اثرپذیر شکل‌گیری زنجیره‌های صادرات باثبات در صنایع راهبردی در شرایط تحریم. *اقتصاد دفاع و توسعه*، ۶، ۷۱-۹۹.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25382454.1400.6.19.3.2>
- زارعی، ا.، فلاحتی، م. ع.، و ملک‌الساداتی، س. س. (۱۴۰۳). تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد ایران با تأکید بر نقش صندوق توسعه ملی: رویکرد مدل DSGE. *سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۱۶، ۳۵-۸۰.
<https://doi.org/10.22034/epj.2024.20548.2483>
- کاظمی نجف‌آبادی، م. (۱۴۰۰). موضوع‌شناسی فقهی وقف پول. *معرفت*، ۳۰، ۲۳-۳۴.
<https://www.ensani.ir/file/download/article/1641816915-9723-1400-11.pdf>
- کاظمی نجف‌آبادی، م. (۱۴۰۱). تحلیل فقهی وقف سهام از منظر فقه امامیه و فقه اهل سنت. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۴ (۱)، ۲۰۷-۲۲۴.
https://marefateeqtasadi.nashriyat.ir/sites/marefateeqtasadi.nashriyat.ir/files/article-files/11_6.pdf
- کاظمی نجف‌آبادی، م.، و حسینی، س. ر. (۱۴۰۰). تحلیل ساختار فقهی هزینه‌ها و درآمدهای تکافل اجتماعی. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۳ (۱)، ۲۶-۷.
<https://www.magiran.com/p2486025>



مرادی، ا.، مسعودی‌نیا، ح.، و ابراهیمی، ع. (۱۳۹۳). تحریم اقتصادی؛ فرصت‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در تأمین منافع ملی. *راهبرد اقتصادی*، ۳. https://econrahbord.csr.ir/article_103271.html

References

- Azarbaijani, K. (2024). Economic strategy analysis of factors affecting trade in basic agricultural products between Iran and the member states of the Eurasian Economic Union using the network and gravity approach. *Scientific Quarterly of Economic Strategy*, 13(4), 685–722. <https://doi.org/10.22034/es.2025.489585.1813> [In Persian]
- Alsadi, N. (2025). The convergence of blockchain technology and Islamic economics: Decentralized solutions for Shariah-compliant finance. *arXiv Preprint arXiv:2501.02263*. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2501.02263>
- Badrane, N., & Bamousse, Z. (2025). Innovative financing solutions: A transformative driver for financial performance of businesses in Morocco. *arXiv Preprint arXiv:2502.14393*. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2502.14393>
- Hosseini, A. A. (2015). *Designing a competitive supply chain under sanctions conditions considering resilient strategies: A case study of Iran's medical equipment industry*. Third International Conference on Economics under Sanctions. <https://civilica.com/doc/416028> [In Persian]
- Hamzehpour, M., & Tahmasbi Boloukabad, R. (2021). Designing and analyzing the pattern of influential and influenced solutions for the formation of stable export chains in strategic industries under sanctions. *Quarterly Journal of Defense and Development Economics*, 6, 71–99. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25382454.1400.6.19.3.2> [In Persian]
- Jouti, A. T. (2022). Financial instruments and cash waqf: Bridging Islamic finance with sustainable development goals. In *Islamic social finance and sustainable development*. Springer. <https://doi.org/10.1007/978-3-031-04337-6>
- Kazemi Najafabadi, M. (2021). Jurisprudential topicology of cash waqf. *Ma'rifat*, 30, 23–34. <https://www.ensani.ir/file/download/article/1641816915-9723-1400-11.pdf> [In Persian]
- Kazemi Najafabadi, M. (2022). Jurisprudential analysis of waqf of shares from the perspective of imami and sunni jurisprudence. *Ma'rifat-e Iqtisad-e Islami*, 14(1), 207–224. https://marefateeqtesadi.nashriyat.ir/sites/marefateeqtesadi.nashriyat.ir/files/article-files/11_6.pdf [In Persian]
- Kazemi Najafabadi, M., & Hosseini, S. R. (2021). Jurisprudential structure analysis of costs and revenues of social takaful. *Ma'rifat-e Iqtisad-e Islami*, 13(1), 7–26. <https://www.magiran.com/p2486025> [In Persian]
- Korkut, C. (2025). Waqf and zakat as drivers of community-based climate resilience in the net zero transition. *Discover Global Society*, 3(1), 178. <https://doi.org/10.1007/s44282-025-00333-y>
- Lubis, I. S., & Marpaung, M. (2025). Optimizing cash waqf and waqf asset development for sustainable socio-economic growth: Integrating Islamic financial institutions, sukuk, and social entrepreneurship models. *East Asian Journal of Multidisciplinary Research*, 5(1). <https://doi.org/10.55927/eajmr.v5i1.555>
- Majid, R. (2022). Rice land sustainability and agricultural financing through waqf. *Review of Islamic Social Finance and Entrepreneurship*, 1(1), 13–24. <https://doi.org/10.20885/RISFE.vol1.iss1.art2>
- Moradi, A., Masoudinia, H., & Ebrahimi, A. (2014). Economic sanctions: Opportunities and strategies of the Islamic Republic of Iran in securing national interests. *Scientific Quarterly of Economic Strategy*, 3. https://econrahbord.csr.ir/article_103271.html [In Persian]
- Nissa, I. K., Safitri, Y., & Hasan, B. M. M. (2025). Integration of cash waqf in the halal value chain ecosystem: A strategy to strengthen the competitiveness of halal products. *Likuid: Jurnal Ekonomi Industri Halal*, 5(2). <https://doi.org/10.15575/likuid.v5i2.48064>
- Suhairi, S., Saputra, A. A., Alimuddin, A., & Khareng, M. (2024). Regulatory and economic challenges in contemporary crowdfunding-based cash waqf. *MILRev: Metro Islamic Law Review*, 4(2). <https://doi.org/10.32332/milrev.v4i2.10343>



- Sulaeman, S., Zubaidah, S., & Nur'atikah, T. (2022). Optimization of Cash Waqf Linked Sukuk (CWLS) for supporting Indonesia's economic recovery post-COVID-19 era. *Review of Islamic Social Finance and Entrepreneurship*, 1(2), 69–84. <https://doi.org/10.20885/RISFE.vol1.iss2.art4>
- Syahril, S., Zulfiqri, M., & Aunurrochim, A. (2025). Digital waqf transformation and MSME empowerment in the perspective of Islamic economics: A systematic literature review 2020–2025. *Referensi Islamika: Jurnal Studi Islam*, 4(2), 158–175. <https://doi.org/10.66053/ri.v4i2.374>
- Zarei, A., Fallahi, M. A., & Maleksadati, S. S. (2024). The impact of international sanctions on Iran's economy with emphasis on the role of the national development fund: a DSGE model approach. *Economic Policy Journal*, 16, 35–80. <https://doi.org/10.22034/epj.2024.20548.2483> [In Persian]

